

پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

اخلاق؛ مکارم اخلاق؛ عفت، حیا و غیرت

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: ابو هادی مالکی

از شما بزرگواران تقاضا دارم که حدود غیرت اسلامی - اگر این تعبیر درست باشد - را برای مرد مسلمان نسبت به زنان خانواده‌اش بیان کنید تا حدّ درست آن را از حدّ نادرست آن تشخیص دهیم. برای مثال، آیا لازم است که زن صدای مردان را نشنود، درحالی‌که او برای یادگیری دین به این امر نیاز دارد؟ از شما خواهشمندیم که حدود اسلامی این مسأله را بر اساس نظر حضرت علامه توضیح دهید. خداوند به شما پاداش نیکو دهد.

پاسخ

تاریخ: ۱۴۰۳/۱۱/۲۶

غیرت مرد، اهتمام او به بازداشتن محارمش از افتادن در حرام است که امری فطری و اخلاقی است و با سخن خداوند موافق است که فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! خودتان و خانواده‌ی‌تان را از آتش باز دارید». از این رو، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود: «الْغَيْرَةُ مِنَ الْإِيمَانِ»؛ «غیرت از ایمان است» و فرمود: «كَانَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ غَيُورًا وَأَنَا أَغْيَرُ مِنْهُ وَجَدَعَ اللَّهُ أَنْفَ مَنْ لَا يَغَارُ»؛ «ابراهیم علیه السلام باغیرت بود و من از او باغیرت‌ترم و خداوند بینی کسی که غیرت ندارد را قطع کند!» و در روایتی دیگر فرمود: «إِنِّي غَيُورٌ، وَإِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ غَيُورًا، وَمَا مِنْ أَمْرٍ لَا يَغَارُ إِلَّا مَكُوسُ الْقَلْبِ»؛ «من فردی غیرتمند هستم و ابراهیم نیز غیرتمند بود و هیچ کس نیست که غیرت نورزد

۱. التَّحْرِيم / ۶

۲. الجامع لمعمر بن راشد، ج ۱۰، ص ۴۰۹؛ تعظیم قدر الصلاة للمروزي، ج ۱، ص ۴۷۰؛ دعائم الإسلام لابن حیتون، ج ۲، ص ۲۱۷؛ من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۳، ص ۴۴۴؛ الإبانة الكبرى لابن بطة، ج ۲، ص ۶۹۴؛ صفة النفاق ونعت المنافقين لأبي نعيم الأصبهاني، ص ۱۹۰؛ مسند الشهاب لابن سلامة، ج ۱، ص ۱۲۳؛ شعب الإيمان للبيهقي، ج ۱۳، ص ۲۶۰

۳. المحاسن للبرقي، ج ۱، ص ۱۱۵؛ الكافي للكليني، ج ۵، ص ۵۳۶؛ من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۳، ص ۴۴۴

۴. مصنف ابن أبي شيبة، ج ۴، ص ۵۳

مگر اینکه قلبش وارونه است» و فرمود: «الْمُؤْمِنُ يَغَارُ، وَاللَّهُ أَشَدُّ غَيْرَةً»^۱؛ «مؤمن غیرت می‌ورزد و خداوند غیرت بیشتری دارد» و منظور از غیرت خداوند، حرام کردن کارهای زشت و مجازات کردن مرتکبین آن‌هاست؛ چنانکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ، وَالْمُؤْمِنُ يَغَارُ، وَغَيْرَةُ اللَّهِ أَنْ يَأْتِيَ الْمُؤْمِنُ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ»^۲؛ «خداوند غیرت می‌ورزد و مؤمن نیز غیرت می‌ورزد و غیرت خداوند این است که (نمی‌خواهد) مؤمن مرتکب چیزی شود که خداوند بر او حرام کرده است» و فرمود: «لَيْسَ شَيْءٌ أَغْيَرُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى، مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ»^۳؛ «کسی از خداوند بلندمرتبه غیورتر نیست و از این روست که کارهای زشت را حرام کرده است» و روایت شده است: «بَلَغَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّ سَعْدَ بْنَ عُبَادَةَ يَقُولُ: لَوْ وَجَدْتُ مَعَ امْرَأَتِي رَجُلًا لَضَرَبْتُهَا بِالسَّيْفِ، غَيْرَ مُصَفِّحٍ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَتُعْجَبُونَ مِنْ غَيْرَةِ سَعْدٍ؟! فَوَاللَّهِ لَأَنَا أَغْيَرُ مِنْ سَعْدٍ، وَاللَّهُ أَغْيَرُ مِنِّي، وَلِذَلِكَ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ»^۴؛ «به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسید که سعد بن عبادة می‌گوید: اگر مردی را با زنم بیابم، او را با شمشیرم به قصد کشت می‌زنم، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آیا از غیرت سعد تعجب می‌کنید؟! به خدا سوگند من از سعد باغیرت‌ترم و خداوند از من باغیرت‌تر است و از این روست که کارهای زشت را حرام کرده است، چه آشکار باشند و چه پنهان» و در روایتی از اهل بیت آمده است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى غَيُورٌ، يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ، وَلِغَيْرَتِهِ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ ظَاهِرَهَا وَبَاطِنَهَا»^۵؛ «هرآینه خداوند تبارک و تعالی غیور است و هر مرد غیوری را دوست می‌دارد و به خاطر غیرتش است که کارهای زشت را چه آشکار باشند و چه پنهان، حرام کرده است».

۱. مشیخة ابن طهمان، ج ۱، ص ۵۸؛ مسند أحمد، ج ۱۲، ص ۱۴۴؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۱۵؛ مسند البزار، ج ۱۵، ص ۷۴؛ اعتلال القلوب للخرائطي، ج ۲، ص ۳۵۵؛ صحیح ابن حبان، ج ۱، ص ۵۲۸.
۲. مسند أبي داود الطيالسي، ج ۴، ص ۱۱۴؛ مسند أحمد، ج ۱۶، ص ۴۲۹؛ صحیح البخاري، ج ۷، ص ۳۵؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۱۴؛ سنن الترمذي، ج ۳، ص ۴۶۳؛ السنة لعبد الله بن أحمد، ج ۲، ص ۴۹۴؛ مسند البزار، ج ۱۵، ص ۲۰۴؛ اعتلال القلوب للخرائطي، ج ۲، ص ۳۵۵؛ صحیح ابن حبان، ج ۱، ص ۵۲۸؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۱۰، ص ۳۸۱.
۳. الجامع لمعمر بن راشد، ج ۱۰، ص ۴۱۰؛ مسند أبي داود الطيالسي، ج ۱، ص ۲۱۴؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۴، ص ۵۳؛ مسند أحمد، ج ۶، ص ۱۱۳؛ مسند الدارمي، ج ۳، ص ۴۲۸؛ صحیح البخاري، ج ۶، ص ۵۷؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۱۳؛ سنن الترمذي، ج ۵، ص ۵۴۲؛ مسند البزار، ج ۵، ص ۱۲۸؛ السنن الكبرى للنسائي، ج ۱۰، ص ۹۴؛ مسند أبي يعلى، ج ۹، ص ۱۰۹؛ اعتلال القلوب للخرائطي، ج ۲، ص ۳۵۵؛ المسند للشاشي، ج ۲، ص ۴۴؛ مسند أبي حنيفة رواية أبي نعيم الأصبهاني، ج ۱، ص ۸۴؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۱۰، ص ۳۸۱.
۴. مصنف ابن أبي شيبة، ج ۴، ص ۵۳؛ مسند أحمد، ج ۳۰، ص ۱۰۴؛ المنتخب من مسند عبد بن حميد، ص ۱۵۱؛ مسند الدارمي، ج ۳، ص ۴۲۸؛ صحیح البخاري، ج ۷، ص ۳۵؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۳۶؛ مستخرج أبي عوانة، ج ۳، ص ۲۱۴؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۴، ص ۳۹۸.
۵. الکافي للکليني، ج ۵، ص ۵۳۵.

آری، مراد از غیرتی که در این روایات ستایش شده، اهتمام مرد به بازداشتن محارمش از ارتکاب کارهایی است که خداوند بر آنان حرام کرده، نه بازداشتن آنان از کاری که خداوند بر آنان حرام نکرده؛ چراکه چنین غیرتی نکوهیده است و مصداق حرام شمردن چیزی است که خداوند حلال کرده، در حالی که خداوند فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرِّمُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»^۱؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! چیزهای پاکیزه‌ای که خداوند برایتان حلال کرده است را حرام نشمارید و (از حدود خداوند) تجاوز نکنید. بی‌گمان خداوند متجاوزان را دوست نمی‌دارد» و از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که در شب زفاف فاطمه و علی علیهما السلام فرمود: «جَدَعَ الْحَلَالَ أَنْفَ الْغَيْرَةِ»^۲؛ «حلال بینی غیرت را قطع کرده است» و امام صادق علیه السلام فرموده است: «لَا غَيْرَةَ فِي الْحَلَالِ بَعْدَ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَا تُحَدِّثَا شَيْئًا حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكُمَا»^۳؛ «در حلال غیرتی نیست، پس از سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که (به علی و فاطمه) فرمود: کاری انجام ندهید تا به نزد شما بازگردم»؛ همچنانکه سخت‌گیری بر آنان در کاری که شرعاً نیازی به سخت‌گیری ندارد، به سوء ظن به آنان بازمی‌گردد، در حالی که خداوند فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا»^۴؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! از بسیاری گمان‌ها بپرهیزید؛ چراکه برخی گمان‌ها گناهند و تجسس نکنید». از این رو، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود: «مِنَ الْغَيْرَةِ مَا يُحِبُّ اللَّهُ وَمِنْهَا مَا يُبْغِضُ اللَّهُ، فَأَمَّا الَّتِي يُحِبُّهَا اللَّهُ فَالْغَيْرَةُ فِي الرِّبَةِ، وَأَمَّا الْغَيْرَةُ الَّتِي يُبْغِضُهَا اللَّهُ فَالْغَيْرَةُ فِي غَيْرِ رِبَةٍ»^۵؛ «غیرتی هست که خداوند دوست می‌دارد و غیرتی هست که خداوند دوست نمی‌دارد. اما غیرتی که خداوند دوست می‌دارد، غیرت در هنگام کاری ناهنجار است و اما غیرتی که خداوند دوست نمی‌دارد، غیرت در هنگامی است که کار ناهنجاری انجام نشده» و کعب بن مالک روایت کرده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: الْغَيْرَةُ غَيْرَتَانِ: فَغَيْرَةُ يُحِبُّ اللَّهُ، وَأُخْرَى يَكْرَهُهَا، قُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا الْغَيْرَةُ الَّتِي يُحِبُّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَغَارَ؟ قَالَ: تُؤْتِي مَعَاصِيَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَتُنْتَهَكَ مَحَارِمَهُ، قُلْنَا:

۱. المائدة / ۸۷

۲. دیوان المعانی للعسکری، ج ۱، ص ۱۰۱؛ نثر الدر فی المحاضرات للآبی، ج ۱، ص ۱۱۳؛ ثمار القلوب للثعالبی، ص ۳۳۰؛

مجمع الأمثال للمیدانی، ج ۱، ص ۱۶۳

۳. الکافی للکلینی، ج ۵، ص ۵۳۸

۴. الحجرات / ۱۲

۵. الجامع لمعمر بن راشد، ج ۱۰، ص ۴۰۹؛ سنن سعید بن منصور، ج ۲، ص ۵۲؛ مصنف ابن ابی شیبہ، ج ۴، ص ۵۳؛ مسند أحمد، ج ۲۸، ص ۶۱۹، ج ۳۹، ص ۱۵۹؛ مسند الدارمی، ج ۳، ص ۴۲۸؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۴۳؛ سنن ابی داود، ج ۳، ص ۵۰؛ سنن النسائی، ج ۵، ص ۷۸؛ مسند الرویانی، ج ۱، ص ۱۶۰؛ المعجم الکبیر للطبرانی، ج ۲، ص ۱۸۹؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۱، ص ۵۷۸؛ معرفة الصحابة لأبی نعیم الأصبهانی، ج ۲، ص ۵۳۹؛ شعب الإيمان للبيهقي، ج ۱۳، ص ۲۶۴



فَمَا الْغَيْرَةُ الَّتِي يَكْرَهُ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ؟ قَالَ: غَيْرَةُ أَحَدِكُمْ فِي غَيْرِ كُنْهِهِ^۱؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: غیرت بر دو نوع است: غیرتی که خداوند دوست می دارد و غیرتی که خداوند دوست نمی دارد. گفتیم: ای رسول خدا! غیرتی که خداوند دوست می دارد به کار بسته شود چیست؟ فرمود: هنگامی که معصیت خداوند صورت بگیرد و احکامش زیر پا گذاشته شود. گفتیم: غیرتی که خداوند دوست نمی دارد چیست؟ فرمود: غیرت یکی از شما در غیر موضعش» و از علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: «الْغَيْرَةُ غَيْرَتَانِ: غَيْرَةُ حَسَنَةٍ جَمِيلَةٍ يُصْلِحُ بِهَا الرَّجُلُ أَهْلَهُ، وَغَيْرَةُ تُدْخِلُهُ النَّارَ، تَحْمِلُهُ عَلَى الْقَتْلِ، فَيَقْتُلُ»^۲؛ «غیرت بر دو نوع است: غیرتی نیکو و زیبا که مرد به وسیله‌ی آن خانواده‌اش را اصلاح می کند و غیرتی که او را وارد آتش می کند؛ (چراکه) او را به قتل و می دارد، پس مرتکب قتل می شود» و فرمود: «إِيَّاكَ وَالتَّغَايُرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِ غَيْرَةٍ، فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى السَّقَمِ وَالْبَرِيئَةَ إِلَى الرَّيْبِ»^۳؛ «از غیرت ورزیدن در غیر جایش بر حذر باش؛ چراکه آن زن سالم را بیمار می کند و زن بی گناه را به اضطراب می اندازد» و شاعر به نیکویی گفته است:

مَا أَحْسَنَ الْغَيْرَةَ فِي حِينِهَا ... وَأَقْبَحَ الْغَيْرَةَ فِي غَيْرِ حِينِ
مَنْ لَمْ يَزَلْ مَتَّهِمًا عَرْسَهُ ... مُنَاصِبًا فِيهَا لِرَجْمِ الطُّنُونِ
يُوشِكُ أَنْ يُغْرِبَهَا بِالَّذِي ... يَخَافُ، أَوْ يَنْصِبُهَا لِلْعُيُونِ^۴

«غیرت به جا چقدر نیکو و غیرت نابه جا چقدر زشت است! مردی که همواره به همسرش اتهام می زند، او را در تیررس بدگمانی ها قرار می دهد؛ پس بیم آن می رود که او را به همان چیزی که می ترسد سوق دهد یا او را در معرض نگاه مردم قرار دهد».

بر این اساس، غیرت ورزیدن نسبت به محارم تنها در سه حالت به جا و پسندیده است:

۱. هنگامی که حرامی آشکار مرتکب می شوند؛ مانند زنا یا دوستی با مردان یا اخلاص در حجاب واجب یا آرایش برای غیر محارم یا سخن گفتن به نرمی نزد آنان یا نگاه کردن به آنان در حالی که بدنشان برهنه است؛ چنانکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود:

۱. اعتلال القلوب للخرائطي، ج ۲، ص ۳۵۶؛ أخبار النساء لابن الجوزي، ج ۱، ص ۸۲.
۲. الأحاديث المختارة للمقدسي، ج ۲، ص ۲۲۷؛ جامع الأحاديث للسيوطي، ج ۳۱، ص ۳۸.
۳. الكافي للكليني، ج ۵، ص ۵۳۷؛ تحف العقول عن آل الرسول لابن شعبة الحراني، ص ۸۷؛ نهج البلاغة للشریف الرضي، ص ۴۰۵؛ نزهة الناظر للحلواني، ص ۶۰؛ ربيع الأبرار للزمخشري، ج ۵، ص ۲۴۱.
۴. الشعر والشعراء لابن قتيبة، ج ۲، ص ۸۴۶؛ أمالي المرتضى، ج ۱، ص ۴۷۶؛ شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج ۱۶، ص ۱۲۷.

«يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ! إِذَا سَجَدَ الرَّجَالُ فَأَعْضُضْنَ أَبْصَارَهُنَّ لَا تَرَيْنَ عَوْرَاتِ الرِّجَالِ مِنْ ضِيقِ الْأَرْضِ»^۱؛
 «ای گروه زنان! هنگامی که مردان سجده می کنند چشمان خود را پایین اندازید تا عورت های
 مردان را به سبب کوتاهی لباس شان نبینید» و در روایتی دیگر آمده است که فرمود: «لَا تَرْفَعَنَّ
 رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَرَفَعَ الرَّجَالُ»^۲؛ «پیش از آنکه مردان از سجده برخیزند، سرهای خود را بالا
 نیاورید».

۲. هنگامی که مرتکب فعلی می شوند که مقدمه‌ی افتادن در حرامی آشکار است؛ مانند
 خلوت با غیر محارم، یا نظر کردن طولانی مدت به چهره‌ی آنان، یا گفتار زیاد و غیر ضروری
 با آنان، یا داخل شدن در مکان‌های شلوغ؛ چنانکه از علی علیه السلام روایت شده است
 که فرمود: «يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ، نُبِّئْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يَدَافِعْنَ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ، أَمَا تَسْتَحْيُونَ؟»^۳؛
 «ای اهل عراق! به من خبر رسیده است که زنان شما در خیابان به مردان می خورند. آیا شرم
 نمی کنید؟» و در روایت دیگری آمده است که فرمود: «أَلَا تَسْتَحْيُونَ أَوْ تَغَارُونَ؟ فَإِنَّهُ بَلَّغَنِي
 أَنَّ نِسَاءَكُمْ يَخْرُجْنَ فِي الْأَسْوَاقِ يُزَاحِمْنَ الْعُلُوجَ»^۴؛ «آیا شرم نمی کنید یا غیرت نمی ورزید؟
 زیرا به من رسیده است که زنانتان به بازارها می روند و با مردان بیگانه برخورد می کنند»، ولی
 گوش سپردن به دروس اهل علم و موعظه‌های آن‌ها از این موارد محسوب نمی شود؛ چراکه
 در آن مصلحت وجود دارد و مفسده‌ی آشکاری نیست؛ چنانکه روایت شده است: «أَنَّ رَسُولَ
 اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ يَوْمَ عِيدٍ، فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ، ثُمَّ خَطَبَ، فَظَنَّ أَنَّهُ لَمْ يُسْمِعِ
 النِّسَاءَ، فَمَشَى إِلَيْهِنَّ وَبَلَّالٌ مَعَهُ، فَوَعَّظَهُنَّ وَأَمَرَهُنَّ بِالصَّدَقَةِ، فَجَعَلَتِ الْمَرْأَةُ تَهْوِي بِيَدِهَا إِلَى
 أُذُنِهَا وَخَلْفِهَا، تُلْقِي الْقُرْطَ وَالْخَاتَمَ فِي ثَوْبِ بِلَالٍ»^۵؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
 در روز عید بیرون آمد و دو رکعت نماز گزارد و خطبه ایراد کرد. سپس احتمال داد که زنان
 سخنان او را نشنیده باشند، پس همراه بلال نزد آنان رفت و آنان را پند داد و به صدقه امر کرد،

۱. مصنف ابن أبي شيبة، ج ۱، ص ۴۰۴؛ مسند أحمد، ج ۱۷، ص ۲۱؛ المنتخب من مسند عبد بن حميد، ص ۳۰۳؛ مسند أبي
 يعلى، ج ۲، ص ۵۰۷؛ معجم ابن الأعرابي، ج ۳، ص ۹۹۴؛ حلية الأولياء وطبقات الأصفياء لأبي نعيم الأصبهاني، ج ۹، ص ۲۳؛
 الثالث من فوائد أبي عثمان البحيري، ص ۴۶؛ المحلى بالآثار لابن حزم، ج ۲، ص ۱۷۱؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۲، ص ۲۵
 ۲. مصنف ابن أبي شيبة، ج ۱، ص ۴۰۴؛ مسند أحمد، ج ۲۴، ص ۳۳۴؛ صحيح مسلم، ج ۱، ص ۳۲۶؛ سنن أبي داود، ج ۱،
 ص ۱۷۰؛ حديث السراج، ج ۲، ص ۲۸؛ مستخرج أبي عوانة، ج ۱، ص ۳۷۸؛ المعجم الكبير للطبراني، ج ۲۴، ص ۹۸
 ۳. المحاسن للبرقي، ج ۱، ص ۱۱۵؛ الكافي للكليني، ج ۵، ص ۵۳۷
 ۴. مسند أحمد، ج ۲، ص ۳۴۳؛ الكافي للكليني، ج ۵، ص ۵۳۷
 ۵. مسند الشافعي، ج ۷، ص ۷۵؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۳، ص ۲۸۰؛ مسند الحميدي، ج ۱، ص ۴۳۰؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۲،
 ص ۳۵۰؛ مسند أحمد، ج ۳، ص ۴۴۴؛ صحيح البخاري، ج ۲، ص ۲۱؛ صحيح مسلم، ج ۲، ص ۶۰۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۱،
 ص ۴۰۶؛ سنن أبي داود، ج ۱، ص ۲۹۷؛ سنن النسائي، ج ۳، ص ۱۹۲؛ مسند أبي يعلى، ج ۵، ص ۹۷؛ شرح معاني الآثار
 للطحاوي، ج ۴، ص ۳۵۲؛ حلية الأولياء وطبقات الأصفياء لأبي نعيم الأصبهاني، ج ۳، ص ۳۱۶

پس هر زن دست خود را به سمت گوش و گردنش می برد و گوشواره و انگشتر خود را در لباس بلال می انداخت» و روایت شده است: «أَنَّ النَّسَاءَ قُلْنَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: غَلَبْنَا عَلَيْكَ الرَّجَالَ، فَاجْعَلْ لَنَا يَوْمًا مِنْ نَفْسِكَ، فَوَعَدَهُنَّ يَوْمًا لَقِيَهُنَّ فِيهِ، فَوَعَظَهُنَّ وَأَمَرَهُنَّ، فَكَانَ فِيمَا قَالَ لَهُنَّ: مَا مِنْكُمْ امْرَأَةٌ تُقَدِّمُ ثَلَاثَةً مِنْ وَلَدِهَا، إِلَّا كَانَ لَهَا حِجَابًا مِنَ النَّارِ، فَقَالَتِ امْرَأَةٌ: أَوْ اثْنَيْنِ؟ فَإِنَّهُ مَاتَ لِي اثْنَانِ، فَقَالَ: أَوْ اثْنَيْنِ»^۱: «زنان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفتند: مردان تو را از ما گرفته اند، پس برای ما نیز روزی را اختصاص بده، پس آن حضرت روزی را به آنان وعده داد و در آن روز با آنان دیدار کرد، پس آنان را پند داد و امر کرد، پس از جمله چیزهایی که به آنان فرمود این بود: هیچ یک از شما نیست که سه فرزندش را از دست بدهد مگر اینکه سپر او در برابر آتش خواهند بود، پس زنی گفت: اگر دو فرزند باشد هم؟ چرا که دو فرزند من از دنیا رفته است، پس فرمود: دو فرزند نیز چنین است».

۳. هنگامی که مردی نامحرم با دست یا زبان یا چشم خود به آنان تعدی می کند که در این صورت باید او را از آنان دفع کرد و این بافضیلت ترین نوع غیرت است و از این رو، از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود: «مَنْ قَتَلَ دُونَ أَهْلِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ»^۲: «هر کس در راه دفاع از خانواده اش کشته شود، شهید است» و امام حسین علیه السلام در روز عاشورا هنگامی که دشمنانش میان او و خیمه اش فاصله انداختند، فریاد برآورد: «وَيْلَكُمْ يَا شِيعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ! إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ، وَكُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ، فَكُونُوا أَحْزَارًا فِي دُنْيَاكُمْ، وَارْجِعُوا إِلَى أَحْسَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ عُرْبًا كَمَا تَزْعُمُونَ، فَنَادَاهُ شِمْرٌ فَقَالَ: مَا تَقُولُ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ؟ قَالَ: أَقُولُ: أَنَا الَّذِي أَقَاتِلُكُمْ، وَتُقَاتِلُونِي، وَالنِّسَاءَ لَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ، فَاْمْنَعُوا عُتَاتِكُمْ وَجْهًا لَكُمْ عَنِ النَّعْرُضِ لِحَرَمِي مَا دُمْتُ حَيًّا، فَقَالَ شِمْرٌ: لَكَ هَذَا، ثُمَّ صَاحَ شِمْرٌ: إِلَيْكُمْ عَنْ حَرَمِ الرَّجُلِ، فَاقْصِدُوهُ فِي نَفْسِهِ، فَلَعَمْرِي لَهُوَ كَفُّوْ كَرِيمٌ»^۳: «وای بر شما ای شیعیان آل ابی سفیان! اگر دین ندارید و از روز معاد نمی هراسید، دست کم در دنیای خود آزاده باشید و اگر عرب هستید چنانکه گمان می برید، به اصل و نسب خود بازگردید. پس شمر او را ندا داد و گفت:

۱. مسند ابن الجعد، ص ۱۰۳؛ مصنف ابن ابی شیبہ، ج ۳، ص ۳۵؛ مسند أحمد، ج ۱۷، ص ۳۹۸؛ المنتخب من مسند عبد بن حمید، ص ۲۸۷؛ صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳۲؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۰۲۸؛ السنن الکبری للنسائی، ج ۵، ص ۳۸۶؛ مسند ابی یعلی، ج ۲، ص ۴۶۱؛ صحیح ابن حبان، ج ۷، ص ۲۰۶.
 ۲. مسند أحمد، ج ۳، ص ۱۹۰؛ المنتخب من مسند عبد بن حمید، ص ۶۶؛ سنن ابی داود، ج ۴، ص ۲۴۶؛ سنن الترمذی، ج ۴، ص ۳۰؛ مسند الحارث، ج ۲، ص ۶۶۰؛ سنن النسائی، ج ۷، ص ۱۱۶؛ السنة لأبی بکر بن الخلال، ج ۱، ص ۱۸۶؛ المسند للشاشی، ج ۱، ص ۲۵۱؛ تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۶، ص ۱۵۷.
 ۳. الطبقات الکبری لابن سعد (متمم الصحابة، الطبقة الخامسة)، ج ۱، ص ۴۷۳؛ أنساب الأشراف للبلاذري، ج ۳، ص ۲۰۲؛ تاریخ الطبري، ج ۵، ص ۴۵۰؛ الفتوح لابن أعمش، ج ۵، ص ۱۱۷؛ مقاتل الطالبیین لأبی الفرج الأصفهانی، ص ۷۹؛ تجارب الأمم لابن مسکویه، ج ۲، ص ۷۹؛ مرآة الزمان فی تواریخ الأعیان لسبط بن الجوزي، ج ۸، ص ۱۴۰؛ اللهوف للسید بن طاووس، ص ۷۱.



چه می‌گویی ای فرزند فاطمه؟ فرمود: می‌گویم: من کسی هستم که با شما می‌جنگم و شما نیز با من سر جنگ دارید، ولی زنان گناهی ندارند، پس تا زمانی که زنده هستم، طاغیان و جاهلان‌تان را از تعرّض به حرم من بازدارید. پس شمر گفت: خواسته‌ات مورد قبول است. سپس شمر فریاد برآورد: متعرّض حرم این مرد نشوید، بلکه خود او را هدف بگیرید؛ چراکه به جانم سوگند، او همتایی کریم برای ما در نبرد است».

این حکم مسأله است، ولی باید توجه داشت که نه مجازات محارم و نه مجازات کسی که به آنان تعدّی کرده است، نباید از چهارچوب احکام شرع خارج باشد و این نکته‌ی بسیار مهمی است؛ چراکه جنایات بسیاری به نام غیرت انجام می‌شود، در حالی که شرع به آن‌ها اجازه نداده است؛ مانند کسی که خواهر یا دختر مجزّدش را به سبب اینکه با معشوقش فرار کرده است می‌کشد، در حالی که شرع به کشتن او حکم نکرده است، بلکه مجازات او را در صورتی که خود به زنا اقرار کند یا چهار شاهد به زنا و او شهادت دهند، صد تازیانه قرار داده و در غیر این صورت، مجازات او را تعزیر قرار داده است، یا کسی که مرد مجزّدی را به سبب زنا با یکی از محارمش می‌کشد، در حالی که شرع به کشتن او حکم نکرده، بلکه مجازات او را در صورت اثبات زنایش با اقرار یا شاهد صد تازیانه قرار داده است؛ چنانکه در حدیث مشهور آمده است: «أَنَّ سَعْدَ بْنَ عُبَادَةَ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، الرَّجُلُ يَجِدُ مَعَ امْرَأَتِهِ رَجُلًا أَيْقُتْلُهُ؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: لَا، قَالَ سَعْدٌ: بَلَى وَالَّذِي أَكْرَمَكَ بِالْحَقِّ، قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: اسْمَعُوا إِلَيَّ مَا يَقُولُ سَيِّدُكُمْ»^۱؛ «سعد بن عبادة گفت: ای رسول خدا! کسی با زنش مرد دیگری را می‌یابد، آیا او را بکشد؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: نه. سعد گفت: آری سوگند به کسی که تو را به حق گرامی داشت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: گوش کنید بزرگ قوم‌تان چه می‌گوید!» و در روایتی دیگر آمده است: «قَالَ سَعْدُ بْنُ عُبَادَةَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَوْ وَجَدْتُ مَعَ أَهْلِي رَجُلًا لَمْ أَمْسَهُ حَتَّى آتِيَ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: نَعَمْ، قَالَ: كَلَّا وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ، إِنْ كُنْتُ لَأُعَاجِلُهُ بِالسَّيْفِ قَبْلَ ذَلِكَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: اسْمَعُوا إِلَيَّ مَا يَقُولُ سَيِّدُكُمْ، إِنَّهُ لَغَيُورٌ، وَأَنَا أَغْيَرُ مِنْهُ، وَاللَّهِ أَغْيَرُ مِنِّي»^۲؛ «سعد بن عبادة گفت: ای رسول خدا! اگر مردی را با زنم بیابم آیا دست نگاه دارم تا چهار شاهد بیاورم؟! رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آری.

۱. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۳۵؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۸۶۸؛ سنن أبی داود، ج ۴، ص ۱۸۱؛ مستخرج أبی عوانة، ج ۳، ص ۲۱۴؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۸، ص ۵۸۴
۲. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۳۵؛ مستخرج أبی عوانة، ج ۳، ص ۲۱۳؛ مکارم الأخلاق للخرائطي، ص ۱۷۷

(سعد) گفت: نه سوگند به کسی که تو را به حق برانگیخت، پیش از آن او را با شمشیر می کشم. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: گوش کنید بزرگ قومتان چه می گوید! او مردی باغیرت است و من از او با غیرت ترم و خداوند از من باغیرت تر است» و منظور آن حضرت این بود که من او را از قتل زناکار بدون حکم حاکم نهی می کنم با وجود اینکه از او غیرت بیشتری دارم؛ همچنانکه خداوند بلندمرتبه از آن نهی فرموده است با وجود اینکه از من غیرت بیشتری دارد؛ زیرا غیرت، کاری که حق نیست را مباح نمی کند و در روایتی دیگر آمده است: «أَنَّ سَعْدَ بْنَ عُبَادَةَ قَالَ: حَضَرْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَجَاءَهُ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَجَدْتُ عَلَى بَطْنِ امْرَأَتِي رَجُلًا أَضْرِبُهُ بِالسَّيْفِ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: أَبِئِنَّهُ أَبِئِنَّهُ مِنَ السَّيْفِ؟ ثُمَّ رَجَعَ فَقَالَ: كِتَابُ اللَّهِ وَالشُّهَدَاءُ، فَقَالَ سَعْدُ بْنُ عُبَادَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّهُ بَيْنَهُ أَبِئِنَّهُ مِنَ السَّيْفِ؟ فَقَالَ: كِتَابُ اللَّهِ وَالشُّهَدَاءُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ، هَذَا سَيِّدُكُمْ اسْتَفَزَّتْهُ الْغَيْرَةُ حَتَّى خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ تَعَالَى، فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ سَعْدًا رَجُلٌ غَيُورٌ مَا تَزُوجُ امْرَأَةً ثَيِّبًا قَطُّ لِغَيْرَتِهِ، وَمَا قَدَرُ أَحَدٍ مِنَّا أَنْ يَتَزَوَّجَ امْرَأَةً طَلَّقَهَا لِغَيْرَتِهِ! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: سَعْدٌ غَيُورٌ وَأَنَا أَغْيَرُ مِنْ سَعْدٍ وَاللَّهِ تَعَالَى أَغْيَرُ مِنِّي، فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ: عَلَى أَيِّ شَيْءٍ يَغَارُ اللَّهُ تَعَالَى؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَغَارُ عَلَى رَجُلٍ مُجَاهِدٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُخَالَفُ إِلَى أَهْلِهِ»؛ «سعد بن عبادۀ گفت: نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حاضر بودم که مردی نزد او آمد و گفت: ای رسول خدا! اگر بر شکم زنم مردی را بیابم، آیا او را با شمشیر بزنم؟ پس رسول خدا فرمود: آیا دلیلی روشن تر از شمشیر سراغ داری؟! سپس از این سخن بازگشت و فرمود: کتاب خدا و چهار شاهد، پس سعد بن عبادۀ رضی الله عنه گفت: ای رسول خدا! کدامین دلیل از شمشیر روشن تر است؟ پس فرمود: کتاب خدا و چهار شاهد، سپس فرمود: ای گروه انصار! این بزرگ قوم شماست که غیرت، او را برانگیخته است تا جایی که با کتاب خدا مخالفت می کند، پس مردی از انصار گفت: ای رسول خدا! سعد مردی باغیرت است و به خاطر غیرتش تاکنون با هیچ زن غیرباکره ای ازدواج نکرده و هیچ یک از ما نیز به خاطر غیرت او جرئت نیافته است تا با زنی که او طلاق داده است ازدواج کند! پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سعد مردی باغیرت است و من از سعد باغیرت ترم و خداوند بلندمرتبه از من باغیرت تر است، پس مردی از انصار گفت: خداوند بلندمرتبه نسبت به چه چیزی غیرت می ورزد؟

۱. مصنف عبد الرزاق، ج ۹، ص ۴۳۴؛ مسند أحمد، ج ۳۹، ص ۴۴۸؛ الأحاد والمثنائی لابن أبي عاصم، ج ۳، ص ۴۵۲؛ المعجم الكبير للطبرانی، ج ۶، ص ۲۳؛ معرفة الصحابة لأبي نعیم الأصبهانی، ج ۳، ص ۲۴۷

پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: نسبت به مردی که در راه خداوند به جهاد رفته است و (در نبود او) خانواده اش مورد تعرض قرار می گیرد» و در روایتی دیگر آمده است: «أَنَّ سَعْدَ بْنَ عُبَادَةَ، قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: أَرَأَيْتَ لَوْ وَجَدْتُ مَعَ امْرَأَتِي رَجُلًا أُمِهْلُهُ حَتَّى آتِي بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ؟ قَالَ: نَعَمْ»^۱؛ «سعد بن عبادۀ به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفت: اگر مردی را با زنم بیابم، می گویی به او مهلت دهم تا اینکه چهار شاهد حاضر کنم؟! فرمود: آری» و در روایت اهل بیت آمده است: «إِنَّ أَنَسًا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَانَ فِيهِمْ سَعْدُ بْنُ عُبَادَةَ فَقَالُوا: يَا سَعْدُ، مَا تَقُولُ لَوْ دَهَبْتَ إِلَى مَنْزِلِكَ فَوَجَدْتَ فِيهِ رَجُلًا عَلَى بَطْنِ امْرَأَتِكَ، مَا كُنْتَ صَانِعًا بِهِ؟ فَقَالَ سَعْدُ: كُنْتُ وَاللَّهِ أَضْرِبُ رَقَبَتَهُ بِالسَّيْفِ، فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَهُمْ فِي هَذَا الْكَلَامِ، فَقَالَ: يَا سَعْدُ، مَنْ هَذَا الَّذِي قُلْتَ أَضْرِبُ عَنْقَهُ بِالسَّيْفِ؟ فَأَخْبَرَهُ بِالَّذِي قَالُوا وَمَا قَالَ سَعْدُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عِنْدَ ذَلِكَ: يَا سَعْدُ، فَأَيْنَ الشُّهُودُ الْأَرْبَعَةُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؟! فَقَالَ سَعْدُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، بَعْدَ رَأْيِ عَيْنِي وَعِلْمِ اللَّهِ فِيهِ أَنَّهُ قَدْ فَعَلَ؟! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِي وَاللَّهِ يَا سَعْدُ، بَعْدَ رَأْيِ عَيْنِكَ وَعِلْمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ حُدًّا، وَجَعَلَ عَلَى مَنْ تَعَدَّى حُدُودَ اللَّهِ حُدًّا، وَجَعَلَ مَا دُونَ الشُّهُودِ الْأَرْبَعَةِ مَسْتُورًا عَلَى الْمُسْلِمِينَ»^۲؛ «گروهی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که سعد بن عبادۀ نیز در میانشان بود گفتند: ای سعد! چه می گویی اگر به خانه ات بروی و مردی را بر شکم زنت بیابی؟ با او چه می کنی؟ پس سعد گفت: به خدا سوگند، گردنش را با شمشیر می زنم. در این هنگام، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزدشان آمد و فرمود: ای سعد! این کیست که گفتی گردنش را با شمشیر می زنی؟ پس آن حضرت را از سخن اصحاب و پاسخ خودش مطلع کرد، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای سعد! پس چهار شاهی که خداوند عز و جل فرموده است، کجا هستند؟! پس سعد گفت: ای رسول خدا! حتی پس از دیدن با چشمان خودم و علم خداوند به اینکه آن عمل را مرتکب شده است؟! پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آری به خدا سوگند ای سعد! حتی پس از دیدن با چشمان خودت و علم خداوند عز و جل. هرآینه خداوند عز و جل برای هر چیزی حدی قرار داده و بر کسی که حدودش را زیر پا گذاشته نیز حدی قرار داده است و عملی که چهار شاهد ندارد را بر مسلمانان پوشیده داشته است».

۱ . موطأ مالك، ج ۲، ص ۱۹؛ مسند الشافعي، ص ۲۰۱؛ مسند أحمد، ج ۱۶، ص ۶۳؛ سنن أبي داود، ج ۴، ص ۱۸۱؛ السنن الكبرى للنسائي، ج ۶، ص ۴۸۳؛ مستخرج أبي عوانة، ج ۳، ص ۲۱۳؛ شرح مشكل الآثار للطحاوي، ج ۲، ص ۳۸۹
 ۲ . المحاسن للبرقي، ج ۱، ص ۲۷۴؛ الكافي للكليني، ج ۷، ص ۳۷۵؛ تهذيب الأحكام للطوسي، ج ۱۰، ص ۳۱۳

البته توضیحات فوق تماماً ناظر به غیرت مرد نسبت به زنش و سایر محارمش است، ولی غیرت زن نسبت به شوهرش در کارهایی که برخلاف شرع نیستند، جایز نیست؛ مانند ازدواج مجدد؛ چراکه آن مصداق کراهت داشتن از چیزی است که خداوند نازل کرده و موجب حبط اعمال می‌شود؛ چنانکه فرموده است: **«ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ»**^۱؛ «این به سبب آن بود که آنان از چیزی که خداوند نازل کرد کراهت یافتند پس اعمالشان را نابود کرد» و روایت شده است: **«كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِيَمَا بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ وَمَعَهُ أُمُّ إِسْمَاعِيلَ، فَأَصَابَ مِنْ جَارِيَةٍ لَهُ، فَأَمَرَهَا فَعَسَلَتْ جَسَدَهَا وَتَرَكَتْ رَأْسَهَا، وَقَالَ لَهَا: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَرْكَبِي فَأَغْسِلِي رَأْسَكَ - وَفِي رَوَايَةٍ أُخْرَى أَنَّهُ أَمَرَهَا بِغَسْلِ رَأْسِهَا أَوَّلًا -، فَفَعَلَتْ ذَلِكَ، فَعَلِمَتْ بِذَلِكَ أُمُّ إِسْمَاعِيلَ فَحَلَقَتْ رَأْسَهَا، فَلَمَّا كَانَ مِنْ قَابِلٍ انْتَهَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى ذَلِكَ الْمَكَانِ، فَقَالَتْ لَهُ أُمُّ إِسْمَاعِيلَ: أَيُّ مَوْضِعٍ هَذَا؟ قَالَ لَهَا: هَذَا الْمَوْضِعُ الَّذِي أَحْبَطَ اللَّهُ فِيهِ حَجَّكَ غَامٍ أَوَّلٍ»**^۲؛ «امام صادق علیه السلام میان مکه و مدینه بود و همسرش ام اسماعیل نیز با او بود، پس با کنیز خود آمیزش کرد، پس به او امر کرد تا بدنش را به جز سرش بشوید، پس به او فرمود: هرگاه خواستی سوار مرکب شوی، سرت را نیز بشوی - و در روایتی دیگر آمده است که او را ابتدا به شستن سرش امر کرد - پس همین کار را انجام داد، پس ام اسماعیل از این ماجرا مطلع شد و سر خود را تراشید. در سال بعد، هنگامی که امام صادق علیه السلام به آن مکان رسید، ام اسماعیل به او گفت: اینجا کجاست؟ آن حضرت به او فرمود: اینجا همان جایی است که خداوند در سال گذشته حجت را باطل کرد» و نیز از آن حضرت روایت شده است که فرمود: **«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَجْعَلِ الْغَيْرَةَ لِلنِّسَاءِ، وَإِنَّمَا تَغَارُ الْمُنْكَرَاتُ مِنْهُنَّ، فَأَمَّا الْمُؤْمِنَاتُ فَلَا، إِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ الْغَيْرَةَ لِلرِّجَالِ، لِأَنَّهُ أَهْلٌ لِلرِّجَالِ أَرْبَعًا وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُهُ، وَلَمْ يَجْعَلِ لِلْمَرْأَةِ إِلَّا رَوْحَهَا، فَإِذَا أَرَادَتْ مَعَ غَيْرِهِ كَانَتْ عِنْدَ اللَّهِ زَانِيَةً»**^۳؛ «خداوند عز و جل غیرت را برای زنان قرار نداده است و تنها زنانی که منکر (احکام دین) هستند غیرت می‌ورزند، ولی زنان مؤمن غیرت نمی‌ورزند. خداوند غیرت را تنها برای مردان قرار داده است؛ با توجه به اینکه او برای مرد چهار زن و کنیزانی که مالکشان است را حلال کرده، ولی برای زن تنها شوهرش را حلال کرده است، پس اگر در کنار شوهرش مرد دیگری را بخواهد، نزد خداوند زناکار است». غیرت زن، گاه عقل او را از کار می‌اندازد و او را به کاری شبیه جنون وا دارد؛ چنانکه روایت شده است:

۱. محمد / ۹

۲. تهذیب الأحکام للطوسی، ج ۱، ص ۱۳۴

۳. الکافی للکلینی، ج ۵، ص ۵۰۵؛ علل الشرائع لابن بابویه، ج ۲، ص ۵۰۵

«بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَاعِدٌ إِذْ جَاءَتْ امْرَأَةٌ غُرْيَانَةٌ حَتَّى قَامَتْ بَيْنَ يَدَيْهِ، فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي فَجَرْتُ فَطَهِّرْنِي! فَجَاءَ رَجُلٌ يَغْدُو فِي أَثَرِهَا وَأَلْقَى عَلَيْهَا ثَوْبًا فَقَالَ: مَا هِيَ مِنْكَ؟ فَقَالَ: صَاحِبَتِي يَا رَسُولَ اللَّهِ، خَلَوْتُ بِجَارِيَتِي فَصَنَعْتُ مَا تَرَى! فَقَالَ: ضُمَّهَا إِلَيْكَ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الْغَيْرَاءَ لَا تُبْصِرُ أَعْلَى الْوَادِي مِنْ أَسْفَلِهِ»^۱؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزد ما نشسته بود که زنی برهنه پیش او آمد و در برابرش ایستاد، پس گفت: ای رسول خدا! من زنا کرده‌ام، پس مرا تطهیر کن! در این هنگام مردی دوان دوان به دنبال او آمد و لباسی بر او انداخت، پس آن حضرت فرمود: این زن با تو چه نسبتی دارد؟ پس گفت: این زن من است ای رسول خدا! با کنیزم خلوت کردم و او نیز این کاری که می‌بینی را انجام داد! پس فرمود: او را همراه خود ببر. سپس فرمود: همانا زنی که غیرت بر او چیره شده است، بالای درّه را از پایین آن تشخیص نمی‌دهد!» و در روایتی دیگر آمده است: «أَنَّ امْرَأَةً وَجَدَتْ زَوْجَهَا عَلَى جَارِيَةٍ لَهَا، فَعَارَتْ، فَأَنْطَلَقَتْ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، وَاتَّبَعَهَا حَتَّى أَذْرَكَهَا، فَقَالَتْ: إِنَّهَا زَنْتٌ، فَقَالَ: كَذَبْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَلَكِنَّهَا كَانَتْ مِنْ أَمْرِهَا كَذَا وَكَذَا، وَأَخَذَتْ بِلِحْيَتِهِ، فَأَنْتَهَرَهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَأَرْسَلَتْهُ، فَقَالَ: مَا تَدْرِي الْآنَ أَعْلَى الْوَادِي مِنْ أَسْفَلِهِ»^۲؛ «زنی شوهرش را با کنیزش یافت، پس دچار غیرت شد، پس نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفت و شوهرش نیز به دنبال او رفت تا به او رسید، پس آن زن گفت که زنا کرده است، پس آن مرد گفت: دروغ می‌گویند ای رسول خدا! بلکه ماجرا این گونه است و آن زن ریش شوهرش را گرفت، پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را تشر زد، پس شوهرش را رها کرد، سپس آن حضرت فرمود: اکنون بالای درّه را از پایین آن تشخیص نمی‌دهی!» و روایت شده است: «أَنَّ امْرَأَةً جَاءَتْ إِلَى عَلِيٍّ، فَقَالَتْ أَنْ زَوْجَهَا وَقَعَ عَلَى جَارِيَتِهَا، فَقَالَ: إِنْ تَكُونِي صَادِقَةً نَزَجُمُهُ، وَإِنْ تَكُونِي كَاذِبَةً نَجْلِدُكَ، فَقَالَتْ: يَا وَيْلَهَا غَيْرِي نَعْرَةً! قَالَ: وَأُقِيمَتِ الصَّلَاةُ، فَذَهَبَتْ»^۳؛ «زنی نزد علی آمد و به او گفت که شوهرش با کنیز او همبستر شده است. پس آن حضرت فرمود: اگر راست بگویی او را سنگسار می‌کنیم و اگر دروغ بگویی تو را تازیانه می‌زنیم. پس آن زن گفت: ای وای بر من! این تنها غیرتی بود که به آن دچار شدم! (راوی) می‌گوید: پس وقت نماز رسید و آن زن رفت».

۱. الکافی للکلینی، ج ۵، ص ۵۰۵

۲. مصنف عبد الرزاق، ج ۷، ص ۲۹۹

۳. مصنف عبد الرزاق، ج ۷، ص ۳۰۰

با این حال، کمتر زنی رامی توان یافت که خالی از غیرت باشد و از این رو، امهات المؤمنین نیز خالی از غیرت نبودند؛ چنانکه روایت شده است: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَانَ عِنْدَ بَعْضِ نِسَائِهِ، فَأَرْسَلَتْ إِحْدَى أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ بِصُحْفَةٍ فِيهَا طَعَامٌ، فَضَرَبَتِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي بَيْتِهَا يَدَ الْخَادِمِ، فَسَقَطَتِ الصُّحْفَةُ فَأَنْفَلَقَتْ، فَجَمَعَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَلَقَّ الصُّحْفَةَ، ثُمَّ جَعَلَ يَجْمَعُ فِيهَا الطَّعَامَ الَّذِي كَانَ فِي الصُّحْفَةِ، وَيَقُولُ: "غَارَتْ أُمُكُمْ!" ثُمَّ حَبَسَ الْخَادِمَ حَتَّى أَتَى بِصُحْفَةٍ مِنْ عِنْدِ النَّبِيِّ هُوَ فِي بَيْتِهَا، فَدَفَعَ الصُّحْفَةَ الصَّحِيحَةَ إِلَى النَّبِيِّ كَسَرَتْ صَحْفَتُهَا، وَأَمْسَكَ الْمَكْسُورَةَ فِي بَيْتِ النَّبِيِّ كَسَرَتْ»؛ «پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزد یکی از همسرانش بود که یکی دیگر از امهات المؤمنین ظرف غذایی را فرستاد، پس آن همسری که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در خانه اش بود به دست خدمتکار زد و ظرف بر زمین افتاد و شکست، پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تکه های ظرف را جمع کرد و غذایی که در ظرف بود را مجدد در آن گرد آورد و فرمود: "مادرتان دچار غیرت شد!" سپس خدمتکار را نگاه داشت تا اینکه ظرفی از خانه ی همسرش که در آن بود آورد، پس ظرف سالم را به کسی داد که ظرفش شکسته شد و ظرف شکسته را در خانه ی کسی که ظرف را شکسته بود، نگاه داشت» و عایشه روایت کرده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ خَرَجَ مِنْ عِنْدِهَا لَيْلًا، قَالَتْ: فَغَزَتْ عَلَيْهِ، فَجَاءَ فَرَأَى مَا أَصْنَعُ، فَقَالَ: "مَا لَكَ يَا عَائِشَةُ؟ أَغَزَتْ؟" فَقُلْتُ: "وَمَا لِي لَا يَغَارُ مِثْلِي عَلَى مِثْلِكَ؟" فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: "أَقْدَ جَاءَكَ شَيْطَانُكَ؟" قَالَتْ: "يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَوْ مَعِيَ شَيْطَانٌ؟" قَالَ: "نَعَمْ" قُلْتُ: "وَمَعَ كُلِّ إِنْسَانٍ؟" قَالَ: "نَعَمْ" قُلْتُ: "وَمَعَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟" قَالَ: "نَعَمْ، وَلَكِنَّ رَبِّي أَغَانَنِي عَلَيْهِ حَتَّى أَسْلَمَ"؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شبی از نزد او خارج شد، (عایشه) گفت: من دچار غیرت شدم، پس آمد و دید چه کاری انجام می دهی، پس فرمود: "تو را چه شده است ای عایشه؟ آیا دچار غیرت شدی؟" پس گفتم: "چگونه کسی مانند من به خاطر کسی مانند تو غیرت نورزد؟! پس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: "آیا شیطان به سراغت آمد؟" گفت: "ای رسول خدا! آیا شیطانی همراه من است؟" فرمود: "آری"، گفتم: "و همراه هر انسانی؟" فرمود: "آری"، گفتم: "حتی همراه تو ای رسول خدا؟" فرمود: "آری، ولی پروردگارم مرا بر ضد او یاری کرد تا اینکه اسلام آورده است"» و در روایتی دیگر آمده است که گفت:

۱. مصنف ابن أبي شيبة، ج ۷، ص ۳۰۱؛ مسند أحمد، ج ۲۱، ص ۲۹۷؛ مسند الدارمي، ج ۳، ص ۶۹۲؛ صحيح البخاري، ج ۷، ص ۳۶؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۷۸۲؛ سنن أبي داود، ج ۳، ص ۲۹۷؛ سنن النسائي، ج ۷، ص ۷۰؛ مسند أبي يعلى، ج ۶، ص ۴۵۵؛ شرح مشكل الآثار للطحاوي، ج ۸، ص ۴۲۳؛ اعتلال القلوب للخرائطي، ج ۲، ص ۳۵۸؛ سنن الدارقطني، ج ۵، ص ۲۶۹؛ مسند أحمد، ج ۴۱، ص ۳۴۲؛ صحيح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۸؛ دلائل النبوة للبيهقي، ج ۷، ص ۱۰۲

١. مصنف عبد الرزاق، ج٢، ص١٦١: مسند أحمد، ج٤٢، ص٩٦: صحيح مسلم، ج١، ص٢٥١: سنن النسائي، ج٧، ص٧٢: مسند السراج، ص١٢٥: مستخرج أبي عوانة، ج١، ص٤٨٩: الدعاء للطبراني، ص١٩٤
٢. مسند البزار، ج٤، ص٣٠٨: الكنى والأسماء للدولابي، ج٣، ص٩٦٥: معجم ابن الأعرابي، ج٢، ص٤٢٥: المعجم الكبير للطبراني، ج١٠، ص٨٧: مسند الشهاب لابن سلامة، ج٢، ص١٦٩
٣. الكافي للكليني، ج٥، ص٥٠٥
٤. الكافي للكليني، ج٥، ص٥٠٥

و این غیرتی است که خداوند در مردان قرار داده و در زنان قرار نداده است و غیرت زنان از شیطان است؛ چراکه آن از حسادت نشأت می‌گیرد و در روایتی نیز آمده که از «دوست داشتن» است^۱، ولی وجه اول آشکارتر است.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشی خراسانی
مجلس خبرگان رهبری



۱ . الکافی للکلینی، ج ۵، ص ۵۰۶